

## در باب میراث فرهنگی: به بهانه مرمت آرامگاه کورش

دکتر احمد جلالی

۲۷ آبان ۱۳۸۷



امروز در سایت الف مطلبی خواندم با عنوان "ماجرای مرمت آرامگاه کورش". بر اساس این خبر، جناب آقای مهندس طالبیان مدیر محترم بنیاد پارسه پاسارگاد گفته اند که مرمت سقف آرامگاه علمی انجام شده و بعضی هم گفته اند که این کار علمی صورت نگرفته و خساراتی به بار آمده است. بنده قضایای در این باب ندارم چون اطلاع منحصر به همین خبر است و لاغیر، که طبیعتاً نمی تواند مبنای قضایای باشد. اما از آنجا که اسم پاسارگاد و آرامگاه کورش چنان بزرگ است که وقتی به هر عنوان مطرح می شود نمی شود از کنار آن بی حساسیت گذشت، وظیفه خود می دانم که به بهانه طرح این بحث، نکاتی را یادآوری کنم. پیش از همه، از باب مقدمه، مناسب می دانم با ذکر خاطره ای غرورانگیز و در عین حال مسنولیت آفرین از مراسم ثبت پاسارگاد و آرامگاه کورش در فهرست میراث جهانی شروع می کنم.

\*\*\*

آرامگاه کورش و حریم آن در پاسارگاد در سال ۲۰۰۳ میلادی در اجلاس کمیته میراث جهانی در شهر سوژو در استان شانگهای در چین در فهرست میراث جهانی ثبت شد. مقدماتاً و بطور ساده و به دور از دقایق فنی عرض میکنم که برای ثبت یک اثر در این فهرست مراحل فنی دقیق و طولانی باید طی شود که اگر کار درست و علمی انجام شود و به مشکلی برخورد حدود دو سال طول می کشد. می باید پرونده اثر، شامل نقشه ها و حریم ها، برنامه کشور برای نگاهداری و مرمت آن، و دلایل ارزش تاریخی و جهانی و منحصر به فرد بودن آن در سطح جهانی (به عبارت کنوانسیون میراث جهانی Outstanding Universal Value) و موارد بسیار دیگر تکمیل شود و ابتدا مورد قبول کارشناسان شورای جهانی بناهای و منظرهای تاریخی، ایکوموس،

(International Council on Monuments and Sites) قرار گیرد و این کارشناسان - که بسیار کارکشته و دقیق هستند و ملاحظات سیاسی هم سرشان نمی شود- بپذیرند که این اثر ارزش منحصر به فرد جهانی دارد و بر اساس معیارهای کنوانسیون میراث جهانی، و رای مرزهای ملی، میراث همه بشریت است و کشور متقاضی ثبت آن، توان و اراده رسیدگی و نگاهداری آن را دارد. پس از آنکه ایکوموس پرونده را پذیرفت، یونسکو آن را به دبیرخانه کمیته میراث جهانی می فرستد تا نامزدی آن برای ثبت در فهرست میراث جهانی بررسی شود. اگر از این مرحله هم گذشت، پرونده در دستور کار اجلاس سالانه کمیته میراث جهانی قرار می گیرد. وقتی در اجلاس این کمیته نوبت طرح این پرونده می رسد ابتدا رئیس کمیته از نماینده ایکوموس می خواهد که نظر کارشناسی خود را در باب اثر و ثبت آن مطرح کند و سپس کمیته وارد بحث در صلاحیت اثر برای ثبت می شود و سپس رای گیری نهایی به عمل می آید. بنده شاهد بوده ام که گاهی بحث در صلاحیت یک اثر که از صافی های قبلی ایکوموس و غیر آن هم عبور کرده است، دو روز وقت کمیته را می گیرد و حتی مورد تصویب قرار نگرفته و رد شده و یا، حد اقل، بحث در باره آن به دلیل ضعف دلایل و نقص پرونده با اجلاس بعد موکول شده است.

اما اتفاقی که در سال ۲۰۰۳ در چین در صحن علنی اجلاس کمیته میراث جهانی- با حضور حدود دوهزار کارشناس میراث فرهنگی از سراسر جهان و نمایندگان کشورها- در مورد ثبت پاسارگاد و آرامگاه کورش افتاد کم سابقه و غرورانگیز بود.

وقتی نوبت به پاسارگاد رسید، رئیس کمیته از نماینده ایکوموس خواست که گزارش خود را قرانت کند و او با چنان شور و حال و احساساتی گزارش را می خواند که اشک در چشمان من جمع شد. گویی عزیزی و معشوقی جهانی و بشری را با هیجانی صادقانه وصف می کند. در کنار نکات فنی و تطبیق با مواد کنوانسیون و دلایل منحصر به فرد بودن این اثر برای میراث همه بشریت، از تاریخ و معماری پاسارگاد و باغهای آن گفت، از اهمیت آرامگاه کورش و معنای نمادین آن گفت، و اینکه چگونه اسکندر پس از فتح فارس چون به آرامگاه کورش رسید از اسب پیاده شد و تعظیم کرد و به بزرگداشت و مرمت آن دستور داد و

....

گزارش او که به پایان رسید، طبق معمول می باید رئیس اجلاس، اعضای کمیته و کارشناسان هیاتهای نمایندگی کشورها را به بحث و اظهار نظر در باب ثبت آن در فهرست میراث جهانی دعوت می کرد، اما چنین نشد و فضای اجلاس پس از آن گزارش حتی فرصت دعوت رئیس جلسه از اعضا برای بحث را هم به او نداد. پس از قرانت هیجان انگیز آن گزارش، لحظاتی سکوت سالن اجلاس را فراگرفت و ناگهان همه حاضران، یکپارچه شروع به کف زدنهای ممتد کردند. این کار در آداب یونسکو و مجامع سازمان ملل، قوی ترین نوع تصویب است که از اجماع هم یرفقدتر است. معنای آن این است که موضوع چنان واضح است که جایی برای اظهار نظر نیست. این نوع تصویب را اصطلاحاً می گویند **By Acclamation**: که معنای فارسی آن تصویب با

غریو و هلهله و آفرین و تحسین و کف زدن شادمانه است. در دوران تجربه نسبتاً طولانی ام در یونسکو و اجلاس های کمیته میراث جهانی هرگز چنین عکس العمل ناخودآگاه و بی تامل و پرشوری را ندیده بودم.

پس از این حرکت اجلاس، هیات ایرانی حاضر در اجلاس می باید سخنی می گفت. همکاران عزیز سازمان میراث فرهنگی این وظیفه را به بنده سپردند که در آن زمان، علاوه بر نمایندگی ج.ا.ایران در یونسکو، ریاست مجمع عمومی کنوانسیون میراث جهانی را هم برعهده داشتم. وقت صحبت گرفتم و پس از بجا آوردن آداب کار و تشکر از تصویب ثبت جهانی پاسارگاد و ابراز احساسات حاضران گفتم: "ابراز احساسات خاص این اجلاس و نمایندگانه کشورهای عضو یونسکو، علاوه بر ثبت جهانی یک اثر تاریخی بی نظیر، پیام دیگری را هم در یونسکو ثبت کرد و نشان داد که صدای عدالت و انسانیت در تاریخ گم نمی شود. شما، نمایندگان و کارشناسان جهان، امروز با عکس العمل زیبای خود اعلام کردید که پس از ۲۵۰۰ سال همچنان میراث انسانی و اخلاقی کورش بزرگ و تمدنی که او از آن برخاست را ارج می نهید و آن را باز می شناسید و پژواک می دهید. این نحوه تصویب شما، حرمت نهادن به صدای عدالت و اخلاق بود و من به نمایندگی از تمدن و ملت کهنسال ایران و به عنوان ریاست مجمع عمومی کنوانسیون میراث جهانی، این قدرشناسی شما را نشانه وجدان بیدار تاریخ میدانم و مبارک می شمارم" و سپس شعر حافظ را به فارسی خواندم و به انگلیسی ترجمه کردم که: از صدای سخن دوست ندیدم خوشتر / یادگاری که در این گنبد دوار بماند. رسم بنده در دوران مسئولیت در یونسکو این بود که همواره در اجلاسها به تناسب موضع و موقع از گنجینه میراث بزرگان ادبیات کلاسیک فارسی مدد می جستم و این مدد جوئی در اغلب موارد تشریفاتی نبود، محتوایی بود، واقعی بود، چرا که این گنجینه به راستی برای بشریت سخنها و ارمغانهای کم نظیر دارد.

پس از صحبت این بنده، نمایندگانی از کشورهای دیگر وقت صحبت گرفتند که کم سابقه بود زیرا معمولاً اگر کسی حرفی داشته باشد قبل از تصویب می زند. تعجب کردم که اینهمه چه حرفی دارند. هم تعداد آنها قابل توجه بود و هم حرفهایشان که غیر از تبریک گفتن به ایران، نکات جالبی در بر داشت که از آن میان دو نمونه را اینجا ذکر می کنم: سفیر هند در یونسکو که دیپلمات ورزیده و برجسته ای بود، پس از تبریک به ایران، گفت: "من سوالی از دولت ایران دارم و آن اینکه چرا چنین اثر بی همتا و مشهور و بزرگی را حالا، پس از اینهمه سال برای ثبت جهانی پیشنهاد کرده است؟! در صورتی که پاسارگاد می باید از اولین آثاری می بود که این فهرست را مزین می کرد! یکی دیگر از سفرا در صحبت خود از جمله گفت که بر اساس اسناد اجلاس، ملاک ثبت این اثر مواد یک و دو و پنج کنوانسیون میراث جهانی است (تا آنجا که نویسنده به یاد دارد) ، و پیشنهاد کرد که استناد به ماده شش کنوانسیون هم در سند اضافه شود. این ماده به مکاتبا و بناهای تاریخی ای باز می گردد که علاوه بر ارزش تاریخی، جنبه معنوی و مقدس هم دارند. او گفت که آرامگاه کورش در پاسارگاد مصداق شمول این معنویت و تقدس است و از این جهت استناد به ماده شش را هم می باید در سند ثبت جهانی آن ذکر کرد. اجلاس به اتفاق آراء با این استناد، یعنی اذعان جهانی به معنا و ارزش معنوی پاسارگاد رای داد. در طول این سالها، بارها و بارها کارشناسان کمیته میراث جهانی به من می گفتند که: بعضی آثاری که کشورها معرفی می کنند، از فرار گرفتن در فهرست میراث جهانی آبرو کسب می کنند، اما آثار ایران به این فهرست آبرو می دهند. به راستی پاسارگاد و تخت جمشید و میدان امام (نقش جهان) آبروی آن فهرست است. پس از ثبت پاسارگاد به تهران آمدم و این مطالب را به تفصیل در دو برنامه زنده تلویزیونی (فکر میکنم برنامه پرتو) عرض کردم و در جریان هم نوشتم تا قدمی در تقویت این حس غیرت به ناموس تاریخی و فرهنگی کشور برداشته باشم. چون نگرانی از موضوع سد سیوند هم مطرح بود و داستان برج جهان نما هم همچنان پی گیری می خواست. چند ماه بعد که طی مراسمی لوح ثبت جهانی پاسارگاد را در محل آرامگاه کورش نصب می کردیم نیز معاون مدیرکل یونسکو، آقای بوشناکی، همین مقولات را در اهمیت پاسارگاد بر زبان راند.

اینهمه را عرض کردم تا بگویم که هرچه مردم ما و مسئولان میراث فرهنگی کشور - که زحمت می کشند و خسته نباشند- در خصوص حفاظت از میراث پاسارگاد حساسیت داشته باشند کم است. پاسارگاد ما و میراث ما بسیار بیش از اینها استحقاق توجه دارد. بسیار بیش از اینها باید امکانات مالی و مدیریتی و اراده سیاسی در حفاظت و مرمت و معرفی آن مصروف شود. خدا کند آنچه در مورد خسارت آرامگاه در جریان مرمت و یا در اثر رطوبت سند سیوند می گویند صحت نداشته باشد. در همان روز ثبت لوح ثبت جهانی پاسارگاد به اتفاق دوستان میراث به تنگه بلاغی رفتیم. تلاش داشتم موضوع نامه هایم از یونسکو را در مورد جلوگیری از مخاطرات آبیگری سد سیوند پی بگیرم. مسئولان میراث می گفتند که قطعات مهم در تنگه بلاغی را برداشت خواهند کرد تا از غرق شدن نجات یابند. می دانستند که تنها قطعه باقی مانده از یک جاده هخامنشی در این تنگه قرار دارد. بالاخره زور ما به وزارت نیرو که نرسید که سد را آب نیندازند که آنها هم سد را ساخته و برنامه و استدلالهای خودشان را داشتند. فکر می کردند ما حرف آنها را نمی فهمیم و ما هم متقابلاً همین فکر را می کردیم. از زمانی که مسئولیت در یونسکو را ندارم دیگر در جریان کارشناسی دقیق نیستیم. به هر حال خدا کند که آثار مهم را نجات داده باشند و نشط رطوبت به آرامگاه کورش صحت نداشته باشد. کارشناسان و اساتید پژوهشگاه میراث فرهنگی و باستان شناسان ما دانش و حساسیت لازم را دارند ولی گاهی اسباب برش در اعمال نظر علمی و کارشناسی مهیا نمی شود. همه چیزمان به همه چیزمان می آید!

منبع: سایت الف